مدارا، حذف یا بازآفرینی

پدیده اتاق نشینی در محله هرندی تهران

بخش اول

علی برکاتی، علی زارع و مهرزاد شفیع پور

بافت‌های فرسوده شهری به سبب فرسودگی، در کلیت ازخصوصیات نسبتاً مشابه و مشترکی برخوردارند. این بافت‌ها تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، حقوقی و مدیریتی شکل گرفته و با توجه به همین ابعاد، در تمامی شهرهای کشور نمود پیدا کرده اند. این موارد که از آنها به عوامل بسترساز و زمینه ساز فرسودگی نام برده می‌شود، موجب نامناسب شدن محیط زندگی شده و نمودهای منفی چون پدیده اتاق نشینی را برای مناطقی چون محله هرندی به همراه آورده است. کشش محله هرندی در جذب طبقات پایین و آسیب دیده اجتماعی؛ امروزه موجب رواج پدیده اتاق نشینی در آن و بخصوص در محدوده بلوک قالیشوها گردیده است. این پدیده که نمود عینیت یافته ای از فقر شهری و تمرکز آن در این محدوده است؛ موجب گسترش هر چه بیشتر معضلات اجتماعی و به هم خوردن نظم و تعادل اجتماعی در این محدوده و رو به افول رفتن جریان زندگی در آن شده است.

طرح مسئله:

فرسودگی و زوال کالبد بلوک قالیشوها و حوزه پیرامون آن منجر به بی سازمانی و عدم تناسب فضای آن شده و در نتیجه تعاملات اجتماعی و فرهنگی که لازمهٔ بقا و دوام یک فضای سالم می باشد؛ رو به تنزل نهاده است. با افول توأم ابعاد فیزیکی و غیر فیزیکی، این فضا کارکردهای اصلی خود را از دست داده و به فضایی مسأله دار مبدل شده است.

نظام اجتماعی حاکم بر این فضا در حال حاضر یک نظام اجتماعی دچار اخلال است که به عللی چون فرسودگی، نفوذناپذیری، اتاق-نشینی و ارزان بودن اجاره بها مسکن(به علت فرسودگی و کیفیت پایین اکثر واحدهای مسکونی) و خروج افراد بومی؛ مأمنی برای طبقات فقیر و بزهکار شده است که به شدت زندگی اجتماعی و خرده نظام های اجتماعی آن دچار بی نظمی و تغییر شده اند.

امروزه در اعماق نظام اجتماعی این محدوده، مشکلات و مسائل پیچیده ای یافت می شوند که هر کدام از آنها، ابعادی از این نظام اجتماعی را در بر می گیرند و ضمن به چالش کشیدن نظام اجتماعی این محدوده، حوزه پیرامونش را نیز به چالش کشیده و سایه سنگین این محدوده بر سر حوزه پیرامونش به وضوح قابل لمس و مشاهده است.

ضرورت و اهمیت طرح

از آن جایی که سنجش پدیده اتاق نشینی و پیامدهای آن کمتر مورد توجه بوده و این خلاء مطالعاتی در درون برنامه های توسعه و نوسازی محله هرندی به وضوح احساس می شود. به طوری که می توان گفت تاکنون تلاشی برای شناسایی ابعاد این پدیده و ارائه راهکارهایی در جهت کاهش وگسترش آن در سطح محله انجام نپذیرفته است.

همان گونه که در بیان مسأله ذکر شد، محدوده بلوک قالیشوها در سالهای اخیر دستخوش تغییرات بسیاری شده و بخش قابل توجهی از خانه های آن فرسوده و از کیفیت بسیار پایینی برای سکونت برخوردارند.صاحبان اصلی این واحدهای مسکونی از محله کوچ نموده و خانوارهای تهیدست و آسیب دیده اجتماعی که عموماً مردان مهاجرند؛ جایگزین افراد بومی آن گردیده که این موضوع خود ایجاد مسئله نموده است. از این رو ما نیازمند واکاوی این پدیده و پیامدهای آن و ارائه راهکارهای مطلوب برای کاهش و جلوگیری از پایداری آن هستیم.

اهداف طرح

در بیان اهداف این پژوهش می توان گفت که هدف این طرح ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب از نگاه کارشناسان و برنامه ریزان حوزه های شهری و اجتماعی برای ساماندهی، بهبود کیفیت زندگی اتاق نشینان، جلوگیری از افزایش و کاهش پدیده اتاق نشینی در سطح محدوده و محله هرندی می باشد.

روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق مصاحبه است که بخش عمده ای از یافته ها به صورت مصاحبه حضوری و رو در رو با اتاق نشینان و بخش دیگری از آنها با استفاده از، مشاهده، عکسبرداری و داده های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰جمع آوری شده اند.

مروری بر برخی شاخص های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی بلوک قالیشوها در محله هرندی

مساحت، نوع و نحوه تصرف واحدهای مسکونی

طبق یافته های مر کز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ متراژ ۳۵ درصد واحدهای مسکونی محدوده بلوک قالیشوها ۵۰ متر مربع و کمتر و ۲۹/۳ درصدآنها بین ۵۱ تا ۷۵ متر مربع می باشند. با این اوصاف مساحت ۷۳ درصد واحدهای مسکونی این محله زیر ۱۰۰ متر مربع

واحد مسکونی اتاق نشین با حیاط مرکزی که شامل ۱۴ اتاق می باشد که در هرکدام از این تاق ها یک خانوار زندگی می کند.

و حدود ۲۷ درصد بالای ۱۰۰ متر مربع می باشد.
در سال ۱۳۹۰ میزان تصرف ملکی در محدوده بلوک قالیشوها ۳۱ درصد، تصرف استیجاری در حدود ۶۳ درصد و سایر تصرفات ۵ درصد بوده است. بنابراین وضعیت مسکن در این محدوده به لحاظ نحوه تصرف مسکن ملکی در مقایسه با کل محله (۴۱/۵ درصد) در وضعیت مطلوبی قرار ندارد.
نوع واحد مسکونی از جمله شاخص های مهم در شناخت محلات فرودست شهری است. این شاخص نیز همواره متأثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی است. همانطور که در نمودار زیر قابل مشاهده است، سهم اتاق نشینی(۳۹/۲ درصد) از سایر موارد سکونتی در این محدوده بیشتر است. ویلا و آپارتمان نشینی نیز در رتبه بعدی به یک میزان در این محدوده رایج می باشد.

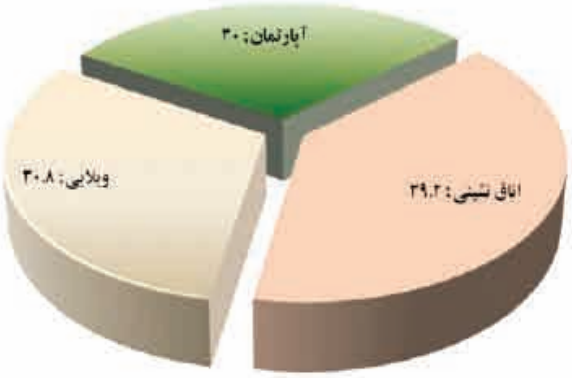

ویژگی های جمعیتی و اجتماعی اتاق نشینان محدوده بلوک قالیشوها

جمعیت

همانطور که در نمودار زیر قابل مشاهده است، از میان ۱۵۸ نفر اتاق نشین ساکن محدوده بلوک قالیشوها، ۸۹ درصد مرد و حدود ۱۱ درصد زن هستند. نسبت جنسی اتاق نشینان در این محدوده برابر ۸۲۹/۴ می باشد. یعنی در این جامعه در برابر هر یک نفر زن تقریباً ۸ نفر مرد هستند. همچنین سهم جمعیت اتاق نشینان از کل محدوده بلوک قالیشوها در سال ۱۳۹۴ در حدود ۱۰ درصد می باشد.

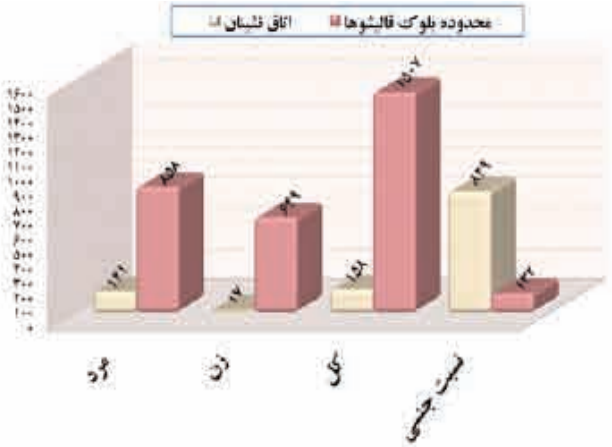

وضع سواد و تحصیلات

میزان باسوادی اتاق نشینان (۶۵/۲ درصد) کمتر از میزان باسوادی سایر ساکنین محدوده قالیشوها (۷۱/۳ درصد) می باشد. ۳۴ درصد افراد اتاق نشین در این محدوده بیسواد هستند. که این وضعیت نسبت به محله و سایر نقاط کشور بسیار نگران کننده است.
باسوادی و تخصص همواره نقش اساسی در توسعه انسانی جوامع داشته و توسعه انسانی در ارتقاء معیشت، بهداشت، مشارکت پذیری و مسئولیت پذیری ساکنین این سکونتگاهها بسیار موثر است. بنابراین باسوادی و بالارفتن سطح سواد خود نقطه آغاز تحرکات اجتماعی – اقتصادی اینگونه اجتماعات است که متأسفانه اتاق نشینان این محدوده به لحاظ این شاخص از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند.
قاعدتاً اجتماعاتی که نرخ باسوادی پایین تری دارند، به علت شرایط نامساعد تحصیلی دارای سطوح تحصیلی پایین تری هستند. بیسوادی و پایین بودن سطح تحصیلات و معلومات عمومی ساکنین این اجتماعات، در پایین بودن معیشت و کیفیت زندگی آنان نقش اساسی داشته و دارد.
بر اساس یافته ها بیش از نیمی از جمعیت این محدوده باسواد بی مدرک می باشند یا سواد ابتدایی دارند که از این بین ۳۱/۱ درصدشان باسواد بدون مدرک و ۲۲/۳ درصد سطح تحصیلاتشان در حد ابتدایی است. همچنین ۲۷ درصد زیر دیپلم و ۱۵/۵ درصد دارای مدرک دیپلم هستند. تنها حدود ۴ درصد اتاق نشینان دارای تحصیلات عالی هستند.

وضع زناشویی

با توجه به اینکه اکثریت اتاق نشینان مجردنشین می باشند، اما بخش قابل توجهی از آنان کارگران فصلی متأهلی هستند که از سایر نقاط کشور به این نقطه از شهر مهاجرت و به خاطر تأمین معاش خود و خانواده و پایین آوردن هزینه های زندگی به این شیوه سکونتی تن داده اند. لذا بیش از نیمی از آنان دارای همسر و خانواده هستند.

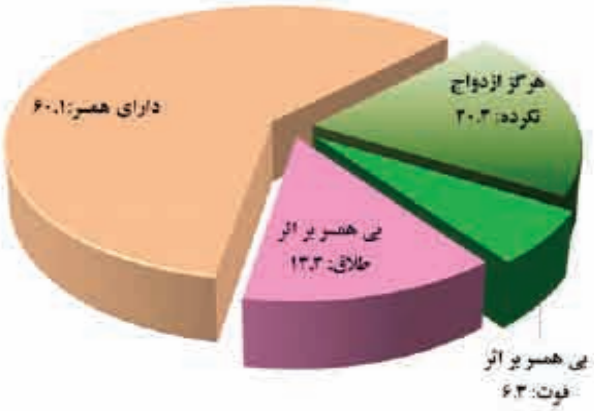

نمای بیرونی یک واحد مسکونی اتاق نشین

کیفیت زندگی و رضایت از آن

یکی از شاخص های بارز که به وسیله آن می توان کیفیت زندگی و وضع معیشت ساکنین این محدوده را با آن سنجید، تفاوت بین هزینه های خوراکی و غیرخوراکی است.

هرگاه میزان هزینه های خوراکی خانوار بیش از هزینه های غیرخوراکی آن باشد و فاصله بین این دو نوع به نفع هزینه های خوراکی زیاد باشد؛ به شدت کیفیت زندگی خانوار تحت تأثیر نتایج منفی هزینه های خوراکی یا اولیه قرار می گیرد. این امر باعث می شود، خانواده از سایر اقدامات چون آموزش، بهداشت، سرگرمی و خیلی چیزهای ثانویه دیگر زندگی بازمانده و خانوار دچار چنان وضعیتی شود که صاحب نظران از آن با عنوان فقر معیشتی یاد می کنند.

نتایج تحقیق نشان می دهد، اتاق نشینان به لحاظ این شاخص در وضعیت مطلوبی قرار ندارند و کیفیت زندگی خانوارهای اتاق-نشین پایین و دچار نوعی فقر معیشتی اند. زیرا بخش عمده ای از درآمد ناچیزآنها صرف هزینه های خوراکی شده و با هزینه های غیرخوراکی آنها تناسب نداشته، بلکه این نوع هزینه ها به مراتب پایین تر از هزینه خوراکی آنهاست.

طبق مطالعات صورت گرفته متوسط هزینه های غیرخوراکی ماهانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۹۰، ۸۳۳ هزار تومان بوده در حالی که این رقم برای یک خانوار اتاق نشین محله هرندی در سال ۱۳۹۴ (با نرخ تورم کنونی نسبت به ۴ سال گذشته) برابر با ۳۵۰ هزار تومان است.

نتایج یافته های نشان می دهد، بیش از نیمی از اتاق نشینان (۵۱/۳ درصد) معتقدند که زندگیشان نسبت به گذشته بدتر شده است. تنها ۸/۲ معتقدند که زندگی شان نسبت به گذشته بهتر شده است. ۴۰/۵ درصد نیز اظهار داشته اند، در زندگی شان تغییری حاصل نشده است.

شرایط موجود باعث عدم رضایت اکثر اتاق نشینان از وضعیت کنونی زندگی و ناامیدی نسبت به آینده خود و فرزنداشان شده که عواقب این مسئله، سرخوردگی و عدم تلاش این افراد برای خروج از این وضعیت دشوار است. براساس مشاهدات میدانی وگفتگوهای صورت گرفته با اتاق نشینان می توان گفت که کیفیت زندگی اکثریت قریب به اتفاق آنان به لحاظ شاخص های کیفی زندگی چون مسکن، نسبت درآمد به هزینه، وضع تغذیه، وضع مالی و اقتصادی، وضع پوشاک، وضع اشتغال سرپرست و دیگر اعضاء خانوار در سطح نازلی قرار دارند. به لحاظ شاخص-های مذکور اکثریت خانوارها معتقدند در وضعیت بسیار بدی به سر می برند.

دسترسی سخت و غیربهداشتی اتاق نشینان به امکانات زیرساختی چون آشپزخانه، حمام و...

احساس رضایت و خوشبختی قوه محرکه برای برنامه ریزی آتی زندگی خانوارهاست. این احساسات به خودی خود می‌تواند، توان جامعه را گرفته و یا افزایش دهد. در بین اتاق نشینان رضایت از شرایط کنونی زندگی به علت کمبود درآمد و متناسب نبودن درآمدها نسبت به هزینه های زندگی، نبود اشتغال مناسب، مسکن نامناسب و ... پایین است.

یافته ها نشان می دهد، درمجموع میزان رضایت اتاق نشینان از شرایط زندگی کنونی بسیار پایین می باشد. به طوری که ۳۴/۲ درصد کل پاسخگویان بیان کرده اند اصلاً از زندگی شان رضایت ندارند. ۲۰/۳ درصد خیلی کم، ۱۳/۳ درصدکم و ۲۸/۵ درصد نیز به طور متوسط از زندگی خود راضی اند. در این میان تنها ۲ درصد اظهار داشتند که میزان رضایت شان از زندگی زیاد است.

دلبستگی اتاق نشینان به محل زندگی خود

سایه سنگین مهاجرپذیری و معضلات اجتماعی بر سر این محدوده از جلمه عواملی هستند که موجب عدم تعلق خاطر ساکنین به محدوده و گریزان بودن آنها از این منطقه شده که نتایج این پدیده ناپایداری اجتماعی در سطح این محدوده است.

طبق یافته های تحقیق، اکثریت اتاق نشینان این محدوده (۷۶درصد) هیچگونه احساس تعلقی به محله ندارند. از این میان بیش از نیمی اتاق نشینان (۵۱ درصد) اظهار داشته اند از سر اجبار در این محله مانده اند و درهر صورت از اینجا می روند. ۱۹/۶ درصد نیز گفته اند در صورت فراهم شدن شرایط بهتر از این محله می روند. ۴/۴ درصد نیز بی تفاوت بوده و اظهار داشته اند، فرقی نمی کند که در کدام محله زندگی می کنند. تنها ۲۴ درصد اتاق نشینان به محله احساس تعلق می کنند.

قشربندی اجتماعی

یکی از معیارهای قابل قبول برای تشخیص طبقات نظام قشربندی اجتماعی در جامعه مورد هدف قشربندی مبتنی بر مشاغل می باشد. بر اساس این معیار و مطابق برداشت های میدانی مشاور در سال ۱۳۹۴ اکثریت اتاق نشینان محدوده مداخله جزء طبقات پایین، کارگر و متوسط پایین قرار دارند.

همان طور که در نمودار زیر قابل مشاهده است حدود ۵۲ درصد شاغلین محدوده در مشاغل رده پایین چون دستفروش، پادوئی یا باربر و کارگران ساختمانی،۳۳ درصد در گروه های شغلی کارگری چون صنعت و خدمات و ۲ درصد در مشاغل متوسط مشغول به فعالیت هستند.